

گنج افلاک در دو گنجینه

(توصیف شب و ستارگان در دو منظومه لیلی و مجنون و ویس و رامین)

حسین یارسایی

چکیده

در این مقاله، حدود ۵۰ بیت از منظومه لیلی و مجنون نظامی در توصیف شب با ابیات مشابه آن در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، از نظر زبان، اندیشه و تصویرآفرینی مقایسه و نتیجه گرفته شده است که نظامی در این توصیف‌ها از شعر گرگانی تأثیر پذیرفته است. همچنین در این جستار نشان داده شده که در حوزه زبان، شعر نظامی به لحاظ موسیقی درونی، پرمایه‌تر از شعر گرگانی است و در حوزه اندیشه، در لیلی و مجنون، برخلاف ویس و رامین، بسیاری از مضامین دینی به کار رفته است که حتی در همین ابیات مورد بحث نیز نشانی از عقاید اسلامی دیده می‌شود. و سرانجام از نظر تصویرآفرینی، درک این صنعت شعری در شعر نظامی به تأمل نیاز دارد، ولی در شعر گرگانی زودیاب‌تر است.

برای نظامی گنجوی (درگذشت: ۵۹۹) بیش از صد و پنجاه مقلد برشمرده‌اند. حتی آثار برخی از مقلدان در حکم الگویی برای پیروان دیگر، در هند و آسیای صغیر قرار گرفت (ابوالقاسم رادفر ۱۳۷۱). با وجود این، شاعر برجسته و نوآور گنجه، ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی (۴۴۲) - یعنی کهن‌ترین منظومه غنایی به‌جامانده ادب فارسی - را در پیش چشم داشته است. بی‌تردید، نظامی شاعری مقلد چون امیر خسرو دهلوی در شیرین و خسرو و مجنون و لیلی نیست که طابقُ النعل بالنعل به استقبال و بازسراییی پردازد؛ اما مقایسه توصیف‌های این دو شاعر نشان می‌دهد که نظامی از فخرالدین اسعد گرگانی تأثیر پذیرفته است.

بررسی حاضر، نوعی مطالعه سبک‌شناسانه زمینه کوچک^۱ است؛ و آن، عبارت است از بررسی سبک‌شناسانه یک شعر یا داستان کوتاه و نظایر آن، در مقابل زمینه بزرگ^۲ که مطالعه سبک‌شناسانه تمامی آثار یک هنرمند یا یک دوره یا نوع ادبی را دربر می‌گیرد (سیروس شمیسا ۱۳۷۳: ۱۶۱).

در این مقاله، حدود ۵۰ بیت متوالی در توصیف «شب» از هر دو شاعر مقایسه و درباره آنها تحلیل می‌شود؛ آنگاه از سه روزن زبان، اندیشه و تصویر آفرینی، بر سروده‌ها نظر افکنده می‌شود.

شب‌نامه فخرالدین اسعد این‌گونه آغاز می‌شود:

شبی تاریک و آلوده به فطران	سیاه و سهمگین چون روز هجران
به روی چرخ بر چون توده نیل	به روی خاک بر چون رای بر پیل
سیه چون انده و نازان چو امید	فروشته چو پرده پیش خورشید...

(از بیت ۵۳ ص ۸۷ تا بیت ۱۰۸ ص ۹۱)

و نظامی گنجوی شبِ مناجاتِ مجنون را چنین می‌سراید:

رخشنده شبی چو روز روشن	رو تازه فلک چو سبز گلشن
------------------------	-------------------------

از مرسله‌های زر حمایل
 بر دیو شهاب حربه رانده
 زرین شده چرخ را شمایل
 لاحول ولا ز دور خوانده....

(بیت ۱، ص ۵۳۸ تا بیت ۵۷، ص ۵۴۰)

۱. زبان

۱-۱. نغمه‌ها و آواها

ازلحاظ موسیقی بیرونی، ویس و رامین در بحر هزج مسدس مقصور و ایات لیلی و مجنون در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف سروده شده است. این دو وزن و آهنگ خوش، در یک بحر و از وزن‌های پرکاربرد منظومه‌های غنایی است. شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، شمع و پروانه‌ی اهلی شیرازی، فرهاد و شیرین وحشی بافقی و یوسف و زلیخای جامی در وزن اول و لیلی و مجنون عبدالرحمن جامی، مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی و لیلی و مجنون مکتبی شیرازی در وزن دوم سروده شده است.

موسیقی کناری یا «قافیه»، به منزله دستگاه مولد صوت است (شفیعی کدکنی ۱۳۶۹: ۶۴)؛ لذا عیوب قافیه، باعث اختلال در موسیقی کلام می‌شود. قافیه عهده‌دار ایجاد هماهنگی و آهنگ پایانی مصرع‌ها و ایات است و از این رو نوعی وزن به‌شمار می‌آید. هرچه قافیه طولانی‌تر باشد، کلام موزون‌تر است و به همین دلیل رعایت حرف تأسیس و دخیل را در علم بدیع نوعی صنعت التزام می‌خوانند. در اینجا امتداد قافیه با شمارش واج‌ها محاسبه و اشعار مورد بحث از دو شاعر با یکدیگر سنجیده می‌شود.

با بررسی واجها - اعم از الحاقی و اصلی - این نتیجه گرفته می‌شود که ۱۵٪ قوافی در ایات نظامی و ۱۶٪ از قوافی فخرالدین اسعد، چهار واجی است. بسامد قوافی ۳ واجی در اشعار نظامی ۵۵٪ و در اشعار فخرالدین اسعد ۳۷٪ است. البته یک واج در بیش از $\frac{1}{4}$ قوافی سه‌واجی نظامی، مصوت بلند است و در اشعار فخرالدین اسعد، این نسبت $\frac{2}{3}$

است. بقیه قوافی دوواجی است که بالطبع در ابیات نظامی کمتر است. اگر آخرین حرف قافیه مصوت بلند باشد، باعث کشش صوت و آهنگین تر شدن کلام می شود. از این منظر، ۲۰٪ از قوافی نظامی و ۱۵٪ از قوافی فخرالدین اسعد با مصوت بلند پایان می یابد.

در بررسی موسیقی درونی اشعار نظامی، به موارد متعددی از جناس زاید (مذیل) و به ندرت به جناس تام برمی خوریم و نیز گاهی از موازنه نشانی می یابیم:

از نایه شب هوا معنبر
وز گوهر مه زمین منور

تکرار یک مصوت و یا صامت، ایجاد آهنگ می کند و باعث دلنشینی کلام می شود؛ به ویژه زمانی که با مفهوم بیت متناسب باشد. در بیت زیر از نظامی، تکرار مصوت بلند «آ»، تداعی کننده صدازدن و سخن گفتن است:

میزان چو زبان مرد دانا
بگشاده زیانه با زیانا

و تکرار صامت «ش»، احساس روشنی و طراوت را به شنونده القا می کند:

رخشنده شبی چو روز روشن
رو تازه فلک چو سبز گلشن

در اشعار فخرالدین اسعد، موسیقی درونی بسیار ضعیف است و به ندرت می توان مواردی از آن یافت. از آن جمله است تکرار صامت «س» در بیت زیر که سیاهی و تیرگی را به خاطر می آورد:

هوا بر سوک او جامه سیه کرد
سپهر از هر سوی جمع سپه کرد

۱-۲. واژگان

در اشعار نظامی ۲۰٪ و در ویس و رامین ۴٪ واژه عربی به کار رفته است. ویس و رامین از آنجا که ترجمه‌ای از زبان پهلوی است، برخی لغات پهلوی یا نزدیک به پهلوی مانند «زفر»، «هشته»، «کفیده»، «پرچین» و... را در خود گنجانده است. اصطلاحات نجومی اعم از نام ستارگان، بروج و صور فلکی به کثرت در اشعار هر دو

شاعر آمده و این بهترین گواه برای اثبات تأثیر نظامی از فخرالدین اسعد در توصیف شب است. فخرالدین اسعد به حدود ۷۵ اصطلاح نجومی بسنده کرده، اما نظامی حدود ۱۵۰ اصطلاح به کار برده است. در ویس و رامین، در بسیاری از موارد، معادل فارسی اصطلاحات آمده است. برخی از این موارد عبارتند از: بره: حمل، ترازو: میزان، آبکش: دلو، زن دوشیزه: عذرا، دو پیکر: توأمان، خرس مهتر: دب اکبر، خرس کهنتر: دب اصغر، زن به زنجیر بسته: امرأة السلسله و...

۱-۳. ساختار زبان

هرچند سبک آذربایجانی به لحاظ ساختار زبانی همان ویژگی‌های سبک خراسانی را دارد، این ویژگی‌ها به دو دلیل در منظومه ویس و رامین بیشتر از لیلی و مجنون نمود دارد: اولاً ویس و رامین ترجمه‌ای از زبان پهلوی، یعنی لهجه‌ای محلی است (عبدالحسین زرین کوب: ۷۰)؛ ثانیاً فخرالدین اسعد حدود یک و نیم قرن قبل از نظامی به کار سرودن پرداخته است.

فعل وصفی در اشعار ویس و رامین کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد و اکثر قوافی فعلی، وصفی است؛ اما در اشعار نظامی، فعل وصفی در حد متعارف است.

تکرار واژه که نشانه کهنگی متن و از موارد عیوب فصاحت است، در اشعار فخرالدین اسعد جهت پیوند صوری و معنایی کلام به کار گرفته می‌شود: «تکرار «یکی»:

پر از گوهر یکی شاهانه افسر	پر از اخگر یکی سیمینه مجمر
پشیزه بر تنش چون کوب سیم...	یکی پیکر به سان ماهی شیم

استفاده از «اندر» به جای «در»، حذف نشانه مفعول و کاربرد فعل به صورت مخفف، از دیگر ویژگی‌های ساختاری ویس و رامین است. آوردن متمم با دو حرف اضافه در ویس و رامین بیشتر است. حرف «را» برای فک اضافه در هر دو اثر نمونه‌هایی دارد.

۲. اندیشه

بنیانگذار سبک آذربایجانی - که به منطقه شمال غربی ایران تعلق دارد - ابوالعلاء گنجوی است. برجسته‌ترین شاعران این سبک در قصیده، خاقانی و در مثنوی، نظامی گنجوی هستند. آنچه سبک خراسانی را از سبک آذربایجانی متمایز می‌کند، ویژگی‌های ادبی و مفاهیم و اندیشه‌ها است.

اظهار فضل به کمک تلمیحات و اشاره به علوم مختلف از جمله طب، نجوم، جانورشناسی و نظایر آن از مختصه‌های سبک آذربایجانی است. از این رو است که در توصیف نظامی از «شب»، گنجینه افلاک پرتوی چشمگیرتر دارد و احکام نجومی و صور فلکی در آن با صور خیال آمیخته شده است.

در جای جای اشعار نظامی، اندیشه مذهبی و اشاره به آیات به چشم می‌خورد. نظامی حتی آنگاه که عقاید فلسفی را از دیدگاه فلاسفه یونان مطرح می‌کند، به آن رنگ مذهبی و کلامی می‌بخشد. اما در ویس و رامین، از تپایش یزدان و مدح پیامبر (ص) که بگذریم، نشانی از عقاید اسلامی نمی‌بینیم.

هرچند در بررسی سبک‌شناسانه در مقیاس کرچک نمی‌توان اندیشه‌ها را به طور کامل ارائه داد یا مقایسه کرد، در ابیات مورد بحث از نظامی نشانی از عقاید اسلامی می‌بینیم، به عنوان مثال آنجا که شهاب را تصویر می‌کند:

بر دیو شهاب حربه رانده
لا حول ولا ز دور خوانده

که تلمیح است به: «وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، الْآمِنِ اسْتَرْقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» (قرآن ۱۵ / ۱۷ و ۱۸).

۳. تصویر آفرینی

صور فلکی در پرده خیال هر دو شاعر، نمایی صدچندان زیباتر و دل‌فریب‌تر می‌یابند. در اشعار نظامی، تشبیهات و استعاره‌ها درهم پیچیده است. امری به چند

«مشبه به» با رعایت ایهام، تناسب، جان بخشی و رنگ آمیزی های دیگر تشبیه می شود و از این رو درک آن به تأمل نیاز دارد؛ درحالی که ابیات فخرالدین اسعد زودیاب تر است. فخرالدین اسعد تشبیه گرا و نظامی استعاره گرا است. زاویه تشبیهات فخرالدین اسعد بسته تر از نظامی است. فروزانفر بین تشبیهات فخرالدین اسعد و شعرای خراسانی تمایز قایل شده و معتقد است که وی تابع شعرای خراسانی نیست (سیروس شمیس: ۱۳۷۳: ۶۰).

فخرالدین اسعد شب را آلوده به قطران و چون روز هجران، تیره و تار می بیند. در نگاه او، آسمان همانند توده نیل کبود است. اما آنچه به پرتو خیال داستان سرایی گرگانی قدرت می بخشد، هنگامی است که زمین را به تصویری مرکب از رای هند و پیل مانند می کند:

شب تاریک و آلوده به قطران سیاه و سهمگین چون روز هجران
 به روی چرخ بر چون توده نیل به روی خاک بر چون رای بر پیل
 و دیگر جای، پس از یک تشخیص فشرده (سپاه آسمان)، آسمان را به امری عقلی (کام خسرو) تشبیه می کند:

سپاه آسمان اندر روارو شب آسوده به سان کار خسرو
 و یا آن را چتر سیاهی پر از گوهرهای درخشان می بیند:
 به سان چرخ ازرق چترش از بر نگاریده همه چترش به گوهر
 اما شب در نگاه نظامی، با خلاف آمد (تصویر پارادوکسی) آغاز شده است و ستاره ها به مرسله های زرین که بر قامت آسمان حمایل افکنده اند، تشبیه می شوند:

رخشنده شبی چو روز روشن رو تازه فلک چو سبز گلشن
 از مرسله های زر حمایل زرین شده چرخ را شمایل
 ماه، رخشنده ترین گوهر شب، در لیلی و مجنون زمین را از نور خود منور کرده، اما در ورس و رامین در چاه شب، اسیر است:

از نافه شب هوا معبر
وز گوهر مه زمین منور
(نظامی)
تو گفتی شب به مغرب کنده بد چاه
به چاه افتاده ماه از چرخ ناگاه
(فخرالدین)
تیر، ستاره علم و عقل است و بنابر احکام نجومی، بر پیشه‌ها و خرد و دانش افراد
تأثیر دارد.

فخرالدین اسعد تیر و کیوان را رفیق ماه و خورشید می‌پندارد:
به هم گرد آمده خورشید با ماه
چو دستوری که گوید راز با شاه
رفیق هر دو گشته تیر و کیوان
چهارم چرخ طالع جای ایشان
در لیلی و مجنون، تیر با رعایت تناسب، به تیر پرتایی شاه که بر آسمان افکنده است،
مانند می‌شود:

یا شکل عطارد از کمانش
تیری است که زد بر آسمانش
کیوان یا زحل در آسمان هفتم قرار دارد و نحس اکبر است؛ و سیاهی، زیرکی،
بالانشینی و وقار از ویژگی‌های آن است.
نظامی رفعت کیوان را در برابر پادشاه ناچیز و آن را چون حلقه‌ای می‌داند که شمشیر
پادشاه را تیز می‌کند:

کیوان مسنی علاقه آویز
تا آهن تیغ او کند تیز
بره، اولین برج از منطقه البروج و خانه خورشید است. در ویس و رامین، بره آسمان،
بره دشتی پنداشته می‌شود که از تیر کمان‌ور یعنی برج قوس در امان مانده و آسوده در
میان لاله و سبزه خفته است:

کمان‌ور را چنگ مانده
دوپای آزرده دست از جنگ مانده
بره از تیر او ایمن بخفته
میان سبزه و لاله نهفته
اما نظامی، بره (حمل) را چون سجافی بر جیب فلک می‌داند. این‌که برای فلک

پیراهن تصویر کرده، تشخیص است، و از دیگر سوی، شکل حمل را به لب خندانِ هلال‌گونه مانند کرده است. وجه شباهت تخیلی بین حمل و مشبه‌به‌های مذکور، تأثیر تشبیه را بیشتر می‌کند:

عکس حمل از هلال خنده بر جیب فلک زهی فکنده

ترازو، برج هفتم از بروج دوازده‌گانه و یکی از دو خانه زهره است. در ویس و رامین، شاهین ترازوی آسمان شکسته و کفه‌ها به‌جا مانده است:

ترازو را همه رشته گسسته دو پله مانده و شاهین شکسته

اما نظامی ترازو را به زبان مرد دانایی تشبیه کرده که با زیانا هم سخن شده است. زیانه یعنی شاهین و زیانا، نام منزل شانزدهم از منازل بیست‌وهشت‌گانه قمر و آن دو ستاره است که یکی بر طرف جنوب (کفة الجنوبیه) و دیگری بر طرف شمال (کفة الشمالیه) قرار دارد. بنابراین، وجه زبان‌گشادن ترازو، با زیانا روشن می‌شود:

میزان چو زبان مرد دانا بگشاده زیانه با زیانا

خرچنگ یا سرطان، برج چهارم و منزل ماه است. فخرالدین اسعد آن را به جانوری بی‌جان مانند می‌کند که به پای دو پیکر خوابیده است.

دو پیکر باز چون دو یار در خواب به یکدیگر بیچیده چو دولاب

به پای هر دوان در خفته خرچنگ تو گفتی بی‌روان گشتست و بی‌چنگ

در نظر نظامی، خرچنگ حیوانی تک‌آور است که با ناخن تیز و بلند چنگ می‌اندازد:

خرچنگ به چنگل زراعی انداخته ناخن سباعی

عذرا یا سنبله - که صورت ششم از بروج فلکی است - زنی را ماند که دامن فرو انداخته، دست چپ آویخته، دست راست بلند کرده و با آن خوشه‌ای را گرفته است. ستاره‌ای در کف دست چپ او قرار دارد که به آن سماک اعزل می‌گویند. در ویس و رامین، عذرا به دوشیزه بی‌حرکتی که چون مستان یارای حرکت ندارد، تشبیه شده که دو خوشه در دست گرفته است:

زن دوشیزه را دو خوشه در دست ز سستی مانده بر یک جای چون مست و اما نظامی با لحاظ تناسب، آن را به دوشیزه‌ای خوب‌چهر و سوداگر مانند کرده که در گونه‌ای قرار گرفته است و بدون سود و صرفه، حتی دانه‌ای از خوشه خود را معامله نمی‌کند. واژه «صرفه» یادآور منزل دوازدهم قمر است که در پهلوی *اودم*^۱ یا *ابدوم*^۲ خوانده می‌شد و نزد احکامیان نحس است:

عذرا رخ سنبله در آن طرف بی صرفه نکرد دانه‌ای صرف
 ثور یا گاو فلک، سرمین برج و مطابق اردیبهشت ماه است. این صورت در نیمکره شمالی است و خوشه پروین یا ثریا در آن قرار دارد.
 سراینده‌گرگانی می‌گوید: هنگامی که بره و گاو، وجود شیر - یعنی برج اسد - را حس کردند، چهره به چهره به گفتگو پرداختند تا چه تدبیری بیندیشند:

حمل با ثور کرده روی در روی ز شیر آسمانی یافته بوی
 ز بیم شیر مانده هر دو بر جای برفته روشنان از دست و از پای
 از آنجا که خوشه پروین در برج ثور جای دارد، نظامی گاو آسمان را چون گاو عبرانکن (۱) که گوهری (ثریا) به گلو دارد، پنداشته است:

گاو فلکی چو گاو دریا گوهر به گلو در از ثریا
 شیر یا برج اسد، برج پنجم و خانه خورشید است. این برج، سه منزل پایین‌تر از برج حمل و ثور قرار دارد؛ و هم از این رو است که به پندار فخرالدین اسعد، بره گاو وجود او را حس کردند و از ترس در جای خود ساکن شدند. در خیال نظامی، شیر مورد حمله سگان قرار گرفته است به این اعتبار که عوا بنابر آنچه در التفهیم آمده، چهار ستاره است که از شمال به سوی جنوب رفته‌اند و در زیر و زیر عذرا قرار دارند و به قول تازیان، سگانی هستند که از پس شیر بانگ می‌کنند؛ و سماک اعزل یا به قول نظامی «سماک هیچ شمشیر» در دست چپ عذرا قرار دارد:

عواز سماک هیچ شمشیر

تازی سگ خویش رانده بر شیر

یادداشت‌ها

۱. خاقانی گوید:

گاو عنبرفکن برهنه‌تن است

خر بربط بر یشمین دستار

کتابنامه

تودوا، ماگالی؛ گواخاریا، الکساندر (مصححان). ۱۳۴۹. ویس و رامین. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

چوهدری، شاهد. پاییز ۱۳۷۱. «نفوذ نظامی در زبان و ادبیات پنجابی»، مجله فرهنگ، کتاب دهم.

رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۷۱. کتاب‌شناسی نظامی گنجوی. تهران.

زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۴۳. با کاروان حله. تهران.

شفیعی‌کدکنی. ۱۳۶۹. موسیقی شعر. تهران.

شمیسا، سیروس. ۱۳۷۴. سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات فردوس.

_____ ۱۳۷۳. کلیات سبک‌شناسی. تهران.

قرآن کریم.

مصفا، ابوالفضل. ۱۳۶۱. فرهنگ اصطلاحات نجومی. تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

وحید دستگردی (مصحح). ۱۳۷۲. کلیات خمسة نظامی. تهران. مؤسسه انتشارات نگاه.